



تجدید نظر در مورد هنرمندان ممنوع الکار

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران بیان کرد: بخشی که به عنوان هنرمندان ممنوع الکار تلقی می شوند، موارد مختلفی دارد. تمام این موارد در این دوره جدید مورد بررسی قرار خواهد گرفت و یک تجدیدنظر کلی صورت خواهد گرفت. صالحی در ادامه در پاسخ به این پرسش که آیا وزارت ارشاد برنامه‌ای برای قانونمند کردن سبک موسیقی رپ دارد، بیان کرد: در این حوزه‌ها باید اجازه داد تا معاونت هنری مستقر شوند، مجموعه جدید که استقرار پیدا خواهد کرد موضوعاتی که مقداری مورد تفاوت نظر هستند، تعیین تکلیف خواهند شد. انتصاب معاونت‌ها در حال طی کردن مسیر خود است. تا آخر مهرماه تعیین تکلیف خواهد شد. مسیر انتصابات در وهله اول به استعلام‌ها باز می‌گردد که در این دوره سه‌گانه شده و مقداری طول کشیده است. از سوی دیگر خود کمیته انتصابات نیز فعال است.



نامزدهای ایرانی جایزه آسترید لیندگرن

مجموع ۲۶۵ نویسنده، تصویرگر، مروج کتابخوانی و نهاد ادبی از ۷۲ کشور جهان به‌عنوان نامزدهای جایزه یادبود «آسترید لیندگرن» در سال ۲۰۲۴ انتخاب شدند. به گزارش ایسنا به نقل از سایت رسمی جایزه سالانه «آسترید لیندگرن»، در میان نامزدهای امسال این جایزه ادبی از ایران ۹ چهره و نهاد ادبی نامزد دریافت جایزه معرفی شده‌اند که شامل: احمد اکبر پور (نویسنده)، علی خدایی (تصویرگر)، علیرضا گلدوزیان (تصویرگر)، هدی حدادی (تصویرگر)، هوشنگ مرادی کرمانی (نویسنده)، محمد میرکئی (نویسنده)، نوید سیدعلی اکبر (نویسنده)، با من بخوان (نهاد ادبی) و رضا دالوند (نویسنده/تصویرگر) می‌شود. جایزه «آسترید لیندگرن» از ۲۰۰۲ از سوی دولت سوئد برای بزرگداشت «آسترید لیندگرن» نویسنده شهیر این کشور بنیان نهاده شد. این جایزه به اشخاص یا سازمان‌هایی اهدا می‌شود که نقش برجسته‌ای در خلق ادبیات کودک و نوجوان یا ترویج آن داشته باشند. در هر سال بیش از ۲۵۰ فرد یا نهاد از سراسر جهان برای این جایزه نامزد می‌شوند.



نامزدهای جوایز آسیا پاسیفیک معرفی شدند

با معرفی نامزدهای امسال جوایز سینمای آسیا پاسیفیک (APSA)، دو فیلم از کارگردان زن شامل «همه آنچه به‌عنوان نور تصور می‌کنیم»، ساخته پایال کاپادیا هند و «وریل» به کارگردانی دی کولومبگاشویلی از گرجستان در صدر نامزدها جای گرفتند. هر دو فیلم در پنج بخش بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه، بهترین فیلمبرداری و بهترین بازیگری نامزد شدند. دیگر فیلم‌هایی که برای کسب جایزه بهترین فیلم رقابت می‌کنند شامل «صحرای نامیبیا» و «پایان خوش» ساخته نئو سورا و «کشتن اسب مغولی» ژانولژوان جیانگ هستند. علاوه بر کاپادیا، کولومبگاشویلی و جیانگ که نامزد بهترین کارگردانی هم شده‌اند دیگر رقبا این بخش شامل تانو کوتیشویلی برای «برق مقدس» و ریتی پان کارگردان مولف کهنه‌کار کامبوجایی فرانسوی برای «ملاقات با پل پوت» است. معرفی برندگان و اهدای جوایز این دوره ۳۰ نوامبر در مراسمی در گلد کوست، کوئینزلند، پس از نشست چهار روزه آسیا پاسیفیک اسکرین (۲۷ تا ۳۰ نوامبر) اهدا خواهد شد.

فقدان يك بازمانده

خاطرات پسر گابریل گارسیا مارکز و مرسدس برگا



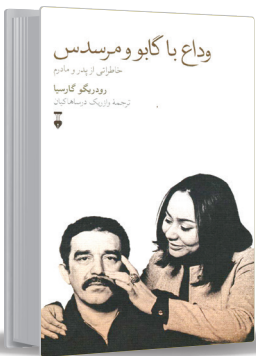
زینب کاظم‌خواه
مترجم و روزنامه نگار

زمانی که زوال عقل گریبان گابریل گارسیا مارکز را گرفته بود، نویسنده‌ای که به خاطر تصویرسازی خاطرات و زمان شهرت داشت، در آستانه‌ی از دست دادن هر دو بود. گارسیا می‌گفت: «خاطرات، ابزار و ماده‌ی خام من است. نمی‌توانم بدون آن کار کنم.» او بارها از پسرش گارسیا رودریگو می‌خواست: «کمکم کن.»

پسر فهمیده بود که بدترین چیز درباره‌ی مرگ برای گارسیا مارکز این بود که تنها بخشی از زندگی‌اش بود که نمی‌توانست درباره‌اش بنویسد. حالا گارسیا این کار را در اثر «وداع با گابو و مرسدس» انجام داده است؛ خاطراتی تلخ که با کشیدن پرده‌ها، ما روزهای قبل از مرگ گارسیا مارکز و همسرش مرسدس برگا را می‌بینیم که یکی در ۲۰۱۴ و دیگری در ۲۰۲۰ در مکزیکوسیته درگذشتند.

گارسیا یک کارگردان تلویزیون و سینما به‌طور خلاصه در فصل‌های پراکنده، تصویری ضمیمی از پدرش ارائه می‌دهد که او هرگز خودش ارائه نداده

بود؛ فراموشکار، سرخورده و افسرده. افسردگی مارکز برای شاهدان رنج‌آور است. او نمی‌تواند بنویسد یا صورت‌های آشنا را تشخیص دهد و هنگام صحبت رشته‌ی کلام از دستش در می‌رود. او تلاش می‌کند کتاب‌های خودش را دوباره بخواند. عملی که در گذشته از آن اجتناب می‌کرد. و هنگام تمام کردن‌شان از رویه‌رو شدن با صورتش روی جلد کتاب‌ها شگفت‌زده می‌شود. او یک‌بار سردرگم پرسید: «اصلاً از کجا تمام این چیزها می‌آیند؟» حتی وقتی زوال عقل گابو - نام محبت‌آمیز گابریل گارسیا که او را به این نام می‌شناختند - پیشرفت کرد، او شوخ‌طبعی‌اش را داشت و یک‌بار گفت: «من دارم حافظه‌ام را از دست می‌دهم، اما خوشبختانه فراموش می‌کنم که آن را دارم از دست می‌دهم.» او هنوز می‌توانست شعرهایی را از عصر طلایی اسپانیا از حفظ بخواند و آواز ترانه‌های محبوبش آهنگ‌های «وایناتو» را حفظ بود. زمانی گارسیا مارکز درخواست کرد او را به رختخواب خانه‌ی کودکی‌اش آراکاتاکای کلمبیا برگردانند، جایی که روی تشکی در کنار تختخواب پدربرگزش سرهنگ نیکلاس مارکز می‌خوابید، کسی که ماهی‌ی الهام او برای شخصیت محبوبش سرهنگ آنورلیانو بوئندیا در «صدسال تنهایی» شد. و بعد مرسدس است، همراه خستگی‌ناپذیر و



معرفی کتاب

وداع با گابو و مرسدس

نویسنده: رودریگو گارسیا
مترجم: وازریک درساهاکیان
انتشارات: فرهنگ نشر نو
قیمت: ۱۵۰ هزار تومان

آخرین «پیوندش». گارسیا واکنش آرام او در لحظه‌ی مرگ همسرش را به خاطر می‌آورد، وقتی او به آرامی با پرستار برای آماده کردن جسد شوهرش کار می‌کرد، قبل از این که خودش را دوباره جمع‌وجور کند، فقط گریه کوتاهی کرد. او به‌شدت مستقل بود: بعد از این که رئیس‌جمهور مکزیک طی یک مراسم یادبود برای گارسیا مارکز در کاخ هنرهای تجسمی در مکزیکوسیته به او به‌عنوان «بیوه» اشاره کرد، او تهدید کرد با اولین روزنامه‌نگاری که مواجه شود از برنامه‌های ازدواج مجددش خواهد گفت. گارسیا به یاد می‌آورد که حتی در روزهای قبل از مرگش در اوت ۲۰۲۰، او «صادق، پنهان‌کار، انتقادی و افراطی» باقی ماند و با وجود این که در پایان از مشکلات تنفسی رنج می‌برد، دردکی پک‌هایی به سیگار می‌زد.

رودریگو گارسیا مادرش را به خاطر کرونا از دست داد، او آن لحظات تلخ را به یاد می‌آورد: «من که قادر به سفر نبودم، برای آخرین بار او را روی صفحه‌ی ترک‌خورده‌ی گوشی‌ام زنده دیدم و دوباره پنج دقیقه بعد، برای همیشه رفت. دو ویدئوی زنده‌ی کوتاه، که با خلأ وسیعی از هم جدا شده‌اند، مرا مجبور کرده است که برای گفتن داستاتم تلاش کنم.»

اگرچه گارسیا ممکن است هنوز نتواند تجربه‌ی مرگ اخیرش را به اشتراک بگذارد، اما تأثیر عمیق مادرش بر زندگی او و اندوه مشترک آن‌ها در مورد از دست دادن پدرش، نویسنده گابریل گارسیا مارکز، مبنای این خاطرات کوتاه اما قدرتمند است.

روایت گارسیا صادقانه است، شاید هم باتوجه به مرزبندی سفت و سخت والدینش بین زندگی عمومی و خصوصی‌شان بیش از حد صادقانه است. در سال ۱۹۵۷، یک دهه قبل از انتشار «صدسال تنهایی» گارسیا مارکز تمام سوابق مکانیاتش را با بارگا از بین برد. حتی با وجود موافقت پدرش - گابریل گارسیا به او گفت: «وقتی

از روشنگری تا انقلاب

ولتر در مرد چهل سکه‌ای وضعیت فرانسه پیش از انقلاب را به نقد می‌کشد



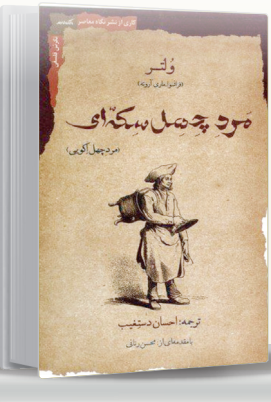
بهنام دارابی
دکترای حقوق و فقه

فرانسوا - ماری آرونه، فیلسوف و نویسنده فرانسوی عصر روشنگری، که بیشتر با نام مستعار ولتر شناخته می‌شود، در سال ۱۷۶۸ رمان فلسفی طنزآمیز و گزنده «مرد چهل سکه‌ای (L'Homme aux quarante ecus)» را به رشته تحریر درآورد. این اثر نقدی تند بر نظام اقتصادی و نابرابری اجتماعی فرانسه قرن هجدهم است و ولتر با پرداختن به داستان دهقانی در ابتدا تهدیدست که درآمد سالانه‌اش تنها چهل اکو (سکه نقره) است، به‌طرز ماهرانه‌ای پوچی و بی‌عدالتی سیاست‌های مالی زمان خود را افشا می‌کند؛ به‌ویژه نظام مالیاتی نابرابری که بار سنگینی بر دوش طبقات

معرفی کتاب

مرد چهل سکه‌ای

نویسنده: فرانسوا ولتر
مترجم: احسان دستغیب
انتشارات: نگاه معاصر
قیمت: ۱۷۰ هزار تومان



تهدیدست می‌گذاشت و در عین حال ثروتمندان وابسته به طبقه حکومتی و روحانیون کلیسایی را معاف می‌کرد. عنوان اثر، خود اشاره‌ای هوشمندانه به درآمد ناچیز شخصیت اصلی داستان است

و شکاف‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی فرانسه پیش از انقلاب را برجسته می‌کند. ولتر با به‌کارگیری طنز و کنایه خاص خود، نه تنها ذهن خواننده را به سمت کنججوی می‌کشانند، بلکه او را با مفاهیم اقتصادی نیز آشنا می‌کند و بدین ترتیب «مرد چهل سکه‌ای» را به ابزاری قدرتمند برای نقد اجتماعی و فراخوانی برای اصلاحات اقتصادی تبدیل می‌کند.

فلسفه اقتصادی ولتر با نقد نظام‌های سنتی و حمایت قوی از شایسته‌سالاری و اصلاحات عقلانی برجسته می‌شود. او طرفدار رویکردی عقلانی‌تر و تجربی‌تر به سازماندهی جامعه و سیاست‌های اقتصادی بود، جایی که امکانات، کالا و قدرت سیاسی براساس استعداد و دستاورد فردی توزیع بشود، نه امتیازات موروثی و به‌اصطلاح راتتی. ولتر با معایب‌های مالیاتی و امتیازات ویژه به روحانیون و نهادهای کلیسایی مخالف بود و اصرار داشت که تمام طبقات اجتماعی موظف به مشارکت در تأمین مالی دولت از طریق پرداخت مالیات هستند. او به تجارت آزاد بین کشورهای باثبات به‌عنوان وسیله‌ای برای توسعه و تثبیت صلح جهانی اعتقاد داشت، هر چند دشواری‌های عملی اجرای چنین نظامی را در قرن هجدهم تشخیص می‌داد.

ولتر «مرد چهل سکه‌ای» را در دوره‌ای از تحولات عمیق در چشم‌انداز اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فرانسه نگاشت.

برند شدن رویا نیست



مریم اسفندیاری
پژوهشگر و کیورتور

برندسازی اصیل به مفهوم خلق نسخه بهتر از خودمان، تلاشی مستمر است برای تبدیل شدن به آنچه هویت برگزیده قابل تمایز از انسان شناخته می‌شود. تلاش نه‌فقط برای موفق شدن بلکه فرد بازنشسی بودن و بیرون‌زدنی مبتنی بر خیر از چارچوب‌های معمول عصر خود. کتاب «نام‌ها از کجا می‌آیند» با قلم و تحقیق حسین گنجی در شهریورماه ۱۴۰۳ در انتشارات سیمای شرق، اثری ارزشمند در حوزه برندسازی شخصی به‌ویژه برای هنرمندان ایرانی است. نویسنده در این کتاب با رویکردی تحلیلی و جذاب، به بررسی برند شخصی چندین هنرمند شاخص ایرانی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه برند شخصی این افراد از عمق وجودشان، یعنی اصالت، باورها، عادات و ارزش‌هایشان سرچشمه می‌گیرد. انتخاب حسین گنجی در قلمرو فرهنگ و هنر برای

درمخش، محمد احصایی، بهرام بیضایی، مصطفی ملکیان، هادی خانیکی و محمود سریع‌القلم.

نویسنده، شخصیت‌برندهای ایرانی را در جوهره‌ای از لیاقت، اتکاپذیری، هوشمندی و جریان‌سازی تحلیل می‌کند. این‌ها را داشتن هدف و ایستادگی برای آنها می‌خواند به‌طوری‌که مهمترین رویکردهایی را که در هر نامی در پی کاوش آن است، می‌توان به‌طور خلاصه این‌گونه طرح کرد:

۱- ارزش‌ها، عنصر حیاتی‌ی برند شخصی هستند. ارزش‌های شخصی، همانی‌اند که مردم را با شما ارتباط می‌دهند و به برند شخصی استحکام و پایداری می‌بخشند. البته ممکن است در طی زمان با آگاهی بیشتر تغییراتی از جنس رشد در آن ارزش‌ها رخ دهد.

۲- برند شخصی ریشه در اصالت دارد. نویسنده با تحلیل برندهای شخصی هنرمندان مختلف به این نتیجه می‌رسد که یک برند شخصی قوی و پایدار، زمانی شکل می‌گیرد که از خاستگاه اصالت و دارایی‌های ذاتی فرد آمده باشد. به عبارت دیگر، برند شخصی باید بازتابی صادقانه از هویت و شخصیت هنرمندباشد.

۳- تلاش و استمرار، جان‌مایه‌ی برند شخصی است. برندسازی راه بلنددوست‌داشتنی و ثمره پشتکار در آن مسیری است که در آن متفاوت و خوبید.

۴- عادات، شکل‌دهنده برند شخصی هستند. عادات روزانه و رفتاری هنرمندان، به‌مرور زمان به بخشی از برند شخصی آن‌ها تبدیل می‌شوند. این عادات می‌توانند از نحوه



معرفی کتاب

نام‌ها از کجا می‌آیند؟

نویسنده: حسین گنجی
انتشارات: سیمای شرق
قیمت: ۲۸۰ هزار تومان